

## تبیین نقش عوامل مؤثر بر قلمرویابی در ایجاد حس تعلق به مکان در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجموعه مسکونی اعتمادیه همدان)<sup>۱</sup>

گلاره کشاورزی\*، سارا جلالیان\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱/۱۶

### چکیده

یکی از نیازهای انسان، نیاز به تعامل عاطفی با مکانی است که در آن زندگی می‌کند و به عبارتی حس تعلق به مکان خوانده می‌شود، ایجاد مهمترین رابطه‌ای که بین انسان و مکان برقرار است و این رابطه در مکانهای مانند مجموعه‌های مسکونی از اهمیت زیادی برخوردار است، فضای که عمدۀ زمان زندگی افراد در آن می‌گذرد با به گونه‌ای مطلوب باشد که عرصه‌های تعریف شده و سلسله مراتب فضایی منظمی را تأمین کند. در این نوشتار با هدف بررسی چگونگی ایجاد نقش عوامل مؤثر بر قلمرویابی در ایجاد حس تعلق به مکان در مجموعه مسکونی مورد پژوهش (مجتمع مسکونی اعتمادیه همدان) ابتدا مولفه‌ها و شاخصه‌های دلبستگی و ایجاد تعلق به مجموعه مسکونی، سپس شاخصه‌های موثر قلمرویابی بررسی گردید، رویکرد این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد که با دو رویکرد کیفی و کمی انجام شده، در مرحله اول که با مروری بر پیشینه‌ی نظری پژوهش می‌باشد با روش تحلیل محتوای متن و در بخش مطالعات میدانی با روش مطالعه موردنی و همبستگی به سنجش رابطه بین ویژگی‌های عوامل محیطی موثر بر قلمرویابی و حس مکان می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که عوامل موثر در قلمروپایی نظیر نظام بصیری، تعادل در محیط، مزیت‌مندی و ..... نقش مهمی در شکل گیری محیط دارند. ایجاد قلمرو به وسیله‌ی علائم و نشانه‌های فیزیکی (مثل دیوار، نرده‌ی جدا کننده...) به آن شکل می‌دهد و عامل مهم در ارتقا حس تعلق به مکان در مجتمع مسکونی است، همچنین توجه به ویژگی‌های کالبدی نظیر فرم، زیبایی، انعطاف پذیری و روابط که در مجموعه تا حدودی مشاهده می‌شد، نیز می‌تواند در ارتقا این حس موثر باشد.

### واژگان کلیدی

قلمروپایی، حس تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، مجتمع مسکونی اعتمادیه.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

Jalaliansara@yahoo.com

\*\* استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

۱- این پژوهش مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد معماری تحت عنوان "تبیین نقش عوامل مؤثر بر قلمروپایی در ایجاد حس تعلق به مکان در مجموعه‌های مسکونی در قالب طراحی مجموعه مسکونی در شهر همدان (نمونه مطالعاتی: مجموعه مسکونی اعتمادیه همدان)" می‌باشد که به راهنمایی دکتر سارا جلالیان و مشاوره دکتر امید دژدار است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان انجام گرفته است.

## مقدمه

در دو دهه گذشته نگرش به مکان زیست انسانها تغییرات چشمگیری یافته است، مسکن به عنوان یک نیاز بشر دیگر تنها یک سرپناه نیست، بلکه مکانی برای رشد و تعالی فرد و خانواده و مأمنی برای ارضای نیازهای مختلف مادی و معنوی وی شمرده می شود و باید بتواند سلامت جسمی و روانی افراد ساکن را در آن تأمین کند. از این رو مسکن و مطابق آن دو جزء لاینک هستند که ارضای هر یک بدون توجه به دیگری ممکن نیست. این مفهوم با افزایش روابط اجتماعی و تعدد عواملی که در حیات انسانها موثرند، از هوایی که تنفس می کند تا عوامل روحی و روانی و... وسیعتر است. یکی از معانی مهم و موثر در ارتباط انسان و محیط که همواره مورد توجه طراحان بوده است، حس تعلق می باشد و این حس تعلق در فضای مسکونی از اهمیت دو چندانی برخوردار است. این نوع تعلق، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی می باشد. ریجرو لاوارکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق به کالبد اشاره و از آن با عنوان ریشه داری یاد می نماید که بر این اساس فرد، محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنای تعلق به خاطر می سپارد. علاوه بر آنها تیلور نیز به همراه گروه دیگر به بررسی خود از فضاهای عمومی در واحد های همسایگی، با اشاره به عناصر کالبدی، از آن با عنوان تعامل کالبدی یاد می نماید که معادل تعلق کالبدی به مکان می باشد. قبل از این دو پژوهشانسکی بر ضرورت توجه بر عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل گیری تداوم هویت فردی اشاره می نماید. وی با تأکید بر نقش حس تعلق به مکان در محیط به عنوان بخشی از هویت مکانی، آن را جزوی از هویت فردی و نهایتاً هویت اجتماعی افراد در محیطهای مختلف می داند(Gifford Robert,2002). با توجه به نظریات گسترده ای که در مورد حس تعلق به مکان وجود دارد می توان بیان نمود که عمدتاً حس تعلق به مکان سطوح ادراکی و شناختی فرد نسبت به محیط را شامل می شود، علاوه بر آن ابعاد احساسی فرد نسبت به مکان نیز به صورت ناخودآگاه رخ می دهد، در واقع عمیق ترین سطح وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه در انسان بروز می کند. حس تعلق با توجه به نظریه مکان و رفتار در روانشناسی، به دو دسته مهم فعالیت و کالبد می پردازد. کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء به عنوان مهم ترین عوامل در شکل گیری حس تعلق محیط ارزیابی می کنند. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاهای ایجاد حس تعلق می پردازد (Hidalgo et. al.,2001;Bonaiuto et al.,1999).

## حس تعلق به مکان

حس تعلق عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می شود. این حس علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می گردد، باعث دست یابی به هویت برای افراد نیز می شود ( فلاحت، ۱۳۸۱، ۱). در عین حال، حس تعلق مکانی مفهومی پیچیده از احساسات و دلیستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می آید. مکان نیز در تعریف رلف حاصل معانی است که در طول زمان و با ادراک به دست می آید. این تعریف مفهومی از مکان مساله ای است که به بعد ناآکاهانه و ادراکی از لایه های خاموش تجربه افراد اشاره دارد و از آن به عنوان حس وابستگی یا حس تعلق به مکان تعییر می شود که حسی توام با عاطفه در مکان است. مکان در این حس به صورت ریشه دار تجربه می شود و لایه های مختلف اجتماعی- فرهنگی را نیز در بر می گیرد (Tuan,1974). نگاه پدیدارشناسان بر این استوار است معمار با ایجاد مکان، فرستی به بنا می دهد که در معرض مواجهه و مراوده انسان قرار گیرد و اگر مکان به انسان اهدا شود او به آن حس تعلق پیدا می کند. در بررسی و ابعاد حس تعلق در رویکرد تجربه گرایی توجه به نیازهای انسانی ضروری تلقی می شود، در این رویکرد ساختمان ها با توجه به تعاریفی که از معماری ارائه می دهند در راستای تأمین نیازهای انسانی گام بر می دارند. از سویی دیگر رفتارها برای ارضای نیازها وارد عمل می شوند و از این رو شناخت نیازهای انسان برای طراحان محیطی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از منظر تئوری نیازهای انسانی، حس تعلق برگرفته از نوعی نیاز اجتماعی است که طی آن، انسان به دنبال یافتن جای پای محکم در جهت ارتباط با محیط و پیوند صمیمانه با آن است(awson,2001).

## مروری بر پیشینه نظری پژوهش

در این بخش با تعریف دیدگاههای مختلف پیرامون مفهوم حس تعلق به مکان، رویکردهای گوناگون در این ارتباط که شامل دو رویکرد پدیدارشناسی و تجربه گرایی است ارائه می شود. در نهایت با بررسی عوامل شکل دهنده حس تعلق به مکان، رویکرد اصلی این پژوهش که بررسی نقش عوامل کالبدی مکان در مجموعه مسکونی مورد مطالعه (مجموعه مسکونی اعتمادیه همدان) در شکل گیری تعلق مکانی است، تبیین می شود. تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای می یابد ( فلاحت، ۱۳۸۴، ۳۷). تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است، این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزیی از مکان می دارد و بر اساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی،

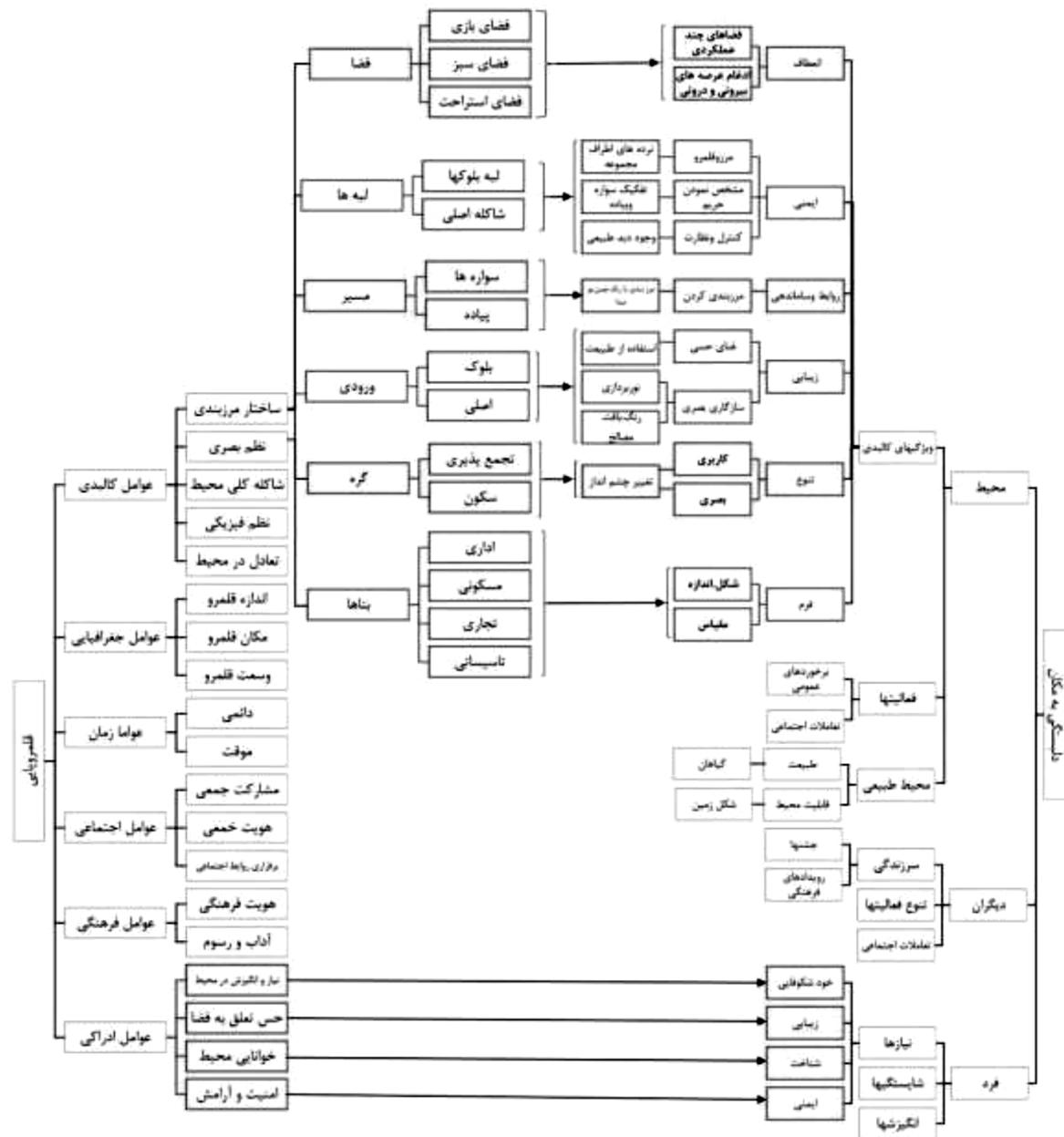
عملکردها و شخصیت مکان، نقشی برای آن در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌گردد (Steele, 1981, 44). بنابراین حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد (جوان فروزنده، مطلبی، ۱۳۹۰، ۳۳).

جدول ۱- نگاهی به پیشینه تحقیق در باب قلمرو و حس تعلق به مکان، (منبع، نگارندگان)

نظریه پرداز	تشریح ابعاد نظریه - قلمرو
آلتن - ۱۹۷۵	انسان به طور فطری با ایجاد قلمرو و جداکردن خود از دیگران، محدوده‌ی آسایشی را برای خود تدارک می‌بیند. قلمرو محدوده‌های وسیع را در برمی‌گیرد و مستلزم استفاده از مکانها و اشیاء موجود در محیط است. رفتار قلمروی بازمان و مکان تعییر و تحول می‌یابد، با دیگر رفتارها در می‌آمیزد و به رفتار پیچیده می‌انجامد (آلتن، ۱۹۷۵، ۱۲۹-۱۳۰).
لاوسون ۲۰۰۱	هر قلمرو می‌تواند واحدهای اجتماعی نظیر گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی بزرگ‌تر را در خود جای دهد؛ مکانی برای روابط اجتماعی مهیا سازد، نشان‌های از هویت افراد را فراهم کند (Lawson, 2001).
بحرینی ۱۳۷۸	یکی از تأثیرگذارترین عوامل بر مفهوم قلمرو در محدوده‌ی مختلف، مسائل ادراکی - روانی آن است که به دلیل وجود انسان به عنوان کاربر فضا، اهمیت می‌یابد (بحرینی، ۱۳۷۸، ۲۱).
نظریه پرداز	تشریح ابعاد نظریه - حس تعلق به مکان
نظرکریستین نوربرگ شولتز	تعلق مکانی در مکان‌های یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و تمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهایی ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است (Norberg Schuls, 1997).
ستالو (انسان شناس)	تعلق به مکان و رای تجربیات احساسی و قابل درک و شامل اعتقادات فرهنگی و فعالیت‌های است که انسان را به محیط پیوند می‌دهد (Cross, 2001).
فریتز استبل (روان شناس)	روح مکان، ترکیب ویژگی‌هایی که به یک موقعیت مکانی، شخصیت خاص می‌دهد (Steele, 1981) به نقل از Cross, 2001.
توان (جغرافیدان)	احترام به مکان، زنجیر محکمی بین فرد و مکان است، تعهد به محیط حسی زیباشناخته، لمس کردنی و احساسانه است (Cross, 2001).
جان جنکس (معمار منظر)	حس مکان، حسی است که فرد در نتیجه یک اتفاق یا سنت در درون خود می‌سازد و با حس بازیابی و خواندن دوباره واقعی، نگهداری می‌شود (Jackson, 1994).
رلف (پدیدار شناس) یابد (Relph, 1976)	س تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان و اجزاء تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش ارتباط و تعامل فرد با محیط می‌گردد و با گذر زمان عمق بیشتری می‌یابد (Relph, 1976).

### تدوین مدل مفهومی پژوهش

بر اساس نگاه جامع به ادبیات موضوع و تجارب جهانی مدل مفهومی زیر را می‌توان در تحلیل عوامل مؤثر بر قلمرویابی بر حس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی ارائه داد. نکته مهم در تدوین مدل مفهومی نگاه جامع به متغیرهای اثرگذار بر حس تعلق به مکان در مجموعه‌های مسکونی هستند. آپارتمان نشینی را می‌توان از مهم ترین تحولات در فرایند اسکان بشر دانست که به فرم غالب مسکن شهری در دوران معاصر تبدیل شده است. مجموعه‌های مسکونی که زمانی قرار بود با قرارگیری در میان فضاهای سبز و کم تراکم، اجتماعات الگویی را ایجاد کنند، به تدریج به مجتمع‌های آپارتمانی با تراکم سیار بالا تبدیل گردیدند. پیشرفت‌هایی صنعتی، ازدیاد جمعیت، تولید شیوه‌های معماری نوین و مفهوم توسعه عمودی نیروهایی بودند که سیر تحول این مجتمع‌ها به اشکال امروزی را تحت تأثیر قرار دادند. در ایران نیز همگام با روند شهرنشینی فزاینده، سیاست تولید مسکن انبوه در قالب مجتمع مسکونی به عنوان یکی از راه‌های پاسخ به نیاز مسکن به سرعت گسترش یافته است. ایجاد کوی‌های مسکونی برای رفع نیاز مسکن نیازمندان، احداث مجتمع‌های مسکونی کوتاه و بلند مرتبه در مقیاس‌های کوچک و بزرگ، از جمله اقدامات ایجاد مجتمع‌های مسکونی بوده اند (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۶).



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش (مأخذ ، نگارندگان).

آنچه در میان مدل مفهومی مهم تلقی می گردد دلیستگی های مکانی است که سه شاخصه اصلی محیط، فرد و اجتماع(دیگران) را شامل می شود. از مهمترین این مولفه ها محیط و ویژگی های کالبدی است. به موازات این دلیستگی های مکانی، قلمرویابی قرار دارد که شش عامل اصلی کالبدی، جغرافیایی، زمان، اجتماعی، فرهنگی و ادراکی را شامل می شود. هر یک از این شاخصه ها زیر مجموعه های گسترده ای دارد که در نمودار ۱ بیان گردیده است.

## روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است و در دو بخش انجام شده است، بخش اول با رویکرد کیفی و با مروری بر مبانی نظری پژوهش به تدوین چارچوب نظری پرداخته است. در بخش دوم با استفاده از روش کیفی و کمی به مطالعه و تحلیل نمونه موردی پرداخته، همچنین برای تعیین میزان معناداری هر یک از ابعاد درصد فراوانی گرفته شده است. در نهایت در نرم افزار SPSS به تحلیل داده های موجود پرداخته شده است.

### تحلیل کیفی نمونه مطالعاتی

نمونه موردی مجتمع مسکونی اعتمادیه در شهر همدان هست. این مجموعه مسکونی در قسمت جنوب شهر همدان قرار گرفته است. زمان ساخت این مجموعه به دهه هشتاد شمسی برمی گردد محدود ۵۰۰ نفر سکنه دارد. تعداد ۱۴ بلوک و هریک از بلوک‌ها در چهار طبقه دو واحدی که جمماً ۱۴۰ واحد هست در کنار یکدیگر قرار دارند. دلیل انتخاب مجموعه مسکونی موقعیت قرارگیری آن در شهر همدان و وضعیت قلمرو آن هست، از طرف دیگر سطح حس تعلق شهروندان در این مجموعه نیاز به ارزیابی داشت که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

برای بررسی عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی مصاحبه‌ای بر اساس، میزان تحصیلات، نوع مالکیت و نحوه انتخاب محل زندگی انجام شده است. بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان برای مدرک تحصیلی دبیلم و لیسانس می‌باشد. از طرفی بیشتر شرکت‌کنندگان، صاحب ملک بوده (به دلیل واگذاری بنیاد شهید) که از ویژگی‌های مثبت این مجموعه هست. از ساکنین و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر و همین‌طور از نحوه مبلمان فضاهای اطراف مجموعه سوالاتی مطرح شد که اغلب ساکنان از نداشتن آسانسور، پارکینگ سرپوشیده، مدیریت مجموعه امنیت، فضاهای جمعی و ... احساس ناراضایتی کردند. همچنین، نتایج مصاحبه نشان می‌دهد که یکدستی بیشتر ساکنان این مجموعه در سطح فرهنگی اجتماعی بیش از عوامل دیگری چون عامل کالبدی، در رضایت ساکنان از قلمروهای زندگی مؤثر است. تا این مرحله از تحقیق بر اساس مشاهدات و تحلیل نگارندگان پیشرفت کار بدین صورت بوده است، بررسی انواع قلمروهای موجود در این مجتمع ها نشان دهنده سطح پایین قلمرو در مجموعه است که در ادامه با استفاده از روش‌های مصاحبه و پرسشنامه نتایج این مشاهدات میدانی بررسی دقیق‌تر می‌گردد.



تصویر ۱ - مجتمع مسکونی اعتمادیه همدان، (منبع، نگارندگان).



نیوود حصار تعریف شده مابین مجموعه  
و معبر اصلی

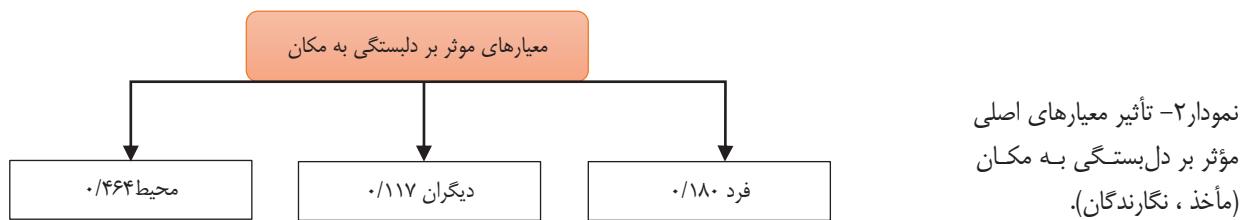
تنها نمونه قلمرو در مابین مجموعه

عدم تعریف شدگی ورودی ها  
در مجموعه اعتمادیه

تصویر ۲ - تحلیل مجتمع مسکونی اعتمادیه ، (منبع، نگارندگان).

جهت دستیابی به تحلیلی جامع از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تدوین شده در مدل مفهومی از ترکیب روش‌های پژوهش پیمایشی و تحلیل محظوظ استفاده شده است. استراتژی پژوهش به گونه‌ای است که داده‌های کمی و کیفی به صورت هم زمان جمع آوری شده‌اند. در این زمینه، سهم بزرگی از داده‌ها در قالب پیمایش و پرسشنامه پنج گزینه‌ای لیکرت تهیه شده است. روایی پرسش نامه از طریق پانزده تن از اساتید مورد تأیید قرار گرفت، پایایی پرسشنامه بر اساس الفای کرونباخ سنجیده شد. جهت انتخاب حجم نمونه پرسشنامه، بر اساس مشاهده

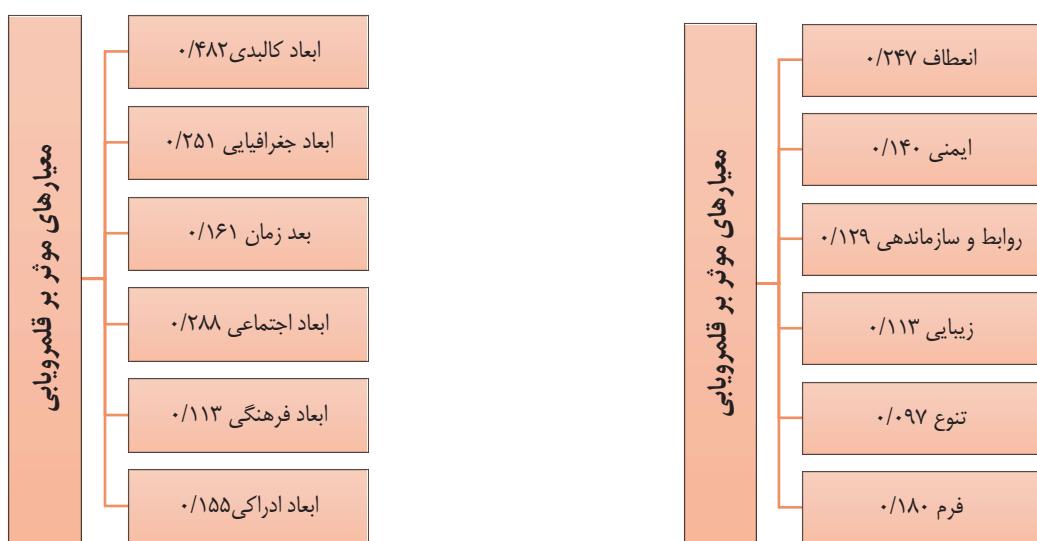
میدانی و جمعیت ساکن در مجموعه مسکونی اعتمادیه شهر همدان، عدد ۲۴۳ نفر بر اساس فرمول کوکران جامعه آماری جهت انجام پرسشنامه انتخاب گردیده است. حجم نمونه بر اساس واریانس محاسبه شد که طی ۱۰ پرسشنامه‌ی مقدماتی در جامعه آماری ساکنین مجموعه با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۷۰ محاسبه گردید. به دلیل عدم پاسخگویی، تعداد ۱۰۰ پرسشنامه به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. با توجه به لزوم پایایی تحلیل‌ها میزان پایایی سوالات بیش از ۰/۷۰ درصد بوده است. ویژگی‌های جمعیتی سن پرسش شوندگان ۲۵ درصد بالای ۴۰ سال و ۷۵ درصد زیر ۴۰ سال هستند که ۵۲ درصد را خانم‌ها و ۴۸ درصد را آقایان تشکیل داده اند، میزان تحصیلات افراد تنها ۱۴ درصد زیر دبیلم بوده و ۸۶ درصد تحصیلات بالای دبیلم داشته اند. یکی از شاخصه‌های که مورد پرسش قرار گرفت مدت سکونت ساکنان در مجتمع ساکنان در مجتمع‌ها بود که ۲۸ درصد کمتر از یکسال، ۳۹ درصد بیش از ۱ سال و ۳۳ درصد بیش از ۵ سال سکونت داشته اند. در ادامه جهت بررسی عامل موثر بر ارتقای دل بستگی به مکان می‌توان متغیرهای وابسته را معيارهای موثر بر دل بستگی به مکان و متغیرهای مستقل را محیط، دیگران و خود شخص بیان نمود. نتایج حاصله حاکی از این می‌باشد که مقدار ضریب همبستگی ( $R$ ) بین متغیرها ۰/۶۸ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق همبستگی بسیار قوی وجود دارد. از سوی دیگر ۰/۵۶ درصد از کل تغییرات شاخص دلبستگی به مکان به معيارهای محیط، دیگران و خود فرد تعلق می‌گیرد.



در ادامه جهت بررسی تأثیر شاخص قلمرویابی بر حس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی آزمون رگرسیون گرفته شد که نتیجه ضریب همبستگی بین متغیرها ۰/۸۲۶ بود که نشان دهنده ای این که بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته تحقیق همبستگی بسیار قوی وجود دارد. در بررسی هر یک از شاخصه‌های قلمرویابی در میزان دلبستگی می‌توان متغیر وابسته را ابعاد مختلف قلمرویابی و متغیرهای مستقل را عوامل کالبدی، عوامل جغرافیایی، عوامل زمانی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل ادراکی در نظر گرفت که با رگرسیون مرکب قادر خواهد بود میزان نقش هر یک از ابعاد را سنجید. نمودار-۳- میزان هر یک را در مدل نشان می‌دهد.

نمودار-۴- مؤلفه‌های کالبدی موثر بر احساس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی.(ماخذ، نگارندگان)

نمودار-۳- تأثیر معناداری هریک از ابعاد موثر بر قلمرویابی در  
مجتمع‌های مسکونی.(ماخذ، نگارندگان)



**بررسی تأثیر هر یک از ویژگی‌های کالبدی محیط بر حس تعلق ساکنان در مجتمعهای مسکونی**  
 متغیر وابسته: ویژگی‌های کالبدی مؤثر بر ارتقا حس تعلق در مجتمعهای مسکونی. متغیرهای مستقل: انعطاف، ایمنی، روابط و ساماندهی، زیبایی، تنوع، فرم. نتایج به دست آمده از عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقای حس تعلق ساکنان در محیط نشان می‌دهد که به علت سطح معناداری به دست آمده، هر شش شاخص بر ارتقای حس تعلق مکان تأثیرگذار هستند. در این میان مؤلفه انعطاف دارای بیشترین میزان تأثیرگذاری و مؤلفه تنوی پسیار پایین می‌باشد. شاخص انعطاف شامل مؤلفه‌های فضاهای چند عملکردی (فضای بازی، فضای سبز، فضای استراحت) و ادغام عرصه درونی و بیرونی می‌باشد. در نتیجه بررسی رابطه هر یک از مؤلفه‌های کالبدی دلستگی به مکان و قلمرویابی در مجتمعهای مسکونی با یکدیگر به منظور سنجش رابطه بین ابعاد کلی قلمرویابی و ابعاد کلی دلستگی به مکان با یکدیگر با یکدیگر از ضریب همیستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول ۲- آزمون همیستگی پیرسون برای سنجش رابطه ابعاد قلمرویابی و ابعاد دلستگی به مکان با یکدیگر.(مأخذ ، نگارندگان).

بعاد دلستگی به مکان	بعاد قلمرویابی	بعاد ادراکی	عوامل فرهنگی	عوامل اجتماعی	عوامل زمان	عوامل جغرافیایی	عوامل کالبدی
محیط	***0.726	***0/612	***0.656	***0.611	***0.524	***0.490	***0.490
دیگران	***0.245	***0.251	***0.490	***0.673	0.175	***0.494	***0.494
فرد	***0.311	***0.225	***0.177	***0.395	***0.399	0.051	***0.399

این نتایج نشان دهنده این است که همه عوامل و ابعاد قلمرویابی شامل عوامل کالبدی، عامل جغرافیایی، زمان، عوامل اجتماعی، فرهنگی و ادراکی دارای ارتباط معنادار با ابعاد اصلی دلستگی به مکان هستند. به این معنا که عوامل کالبدی قلمرویابی دارای ارتباط معنادار و پسیار بالا (0/726) با ابعاد محیط (شامل ابعاد کالبدی، فعالیتها و عوامل طبیعی) می‌باشد. عوامل کالبدی قلمرویابی همچنین بر دیگران (سرزندگی، تنوع فعالیتها، تعاملات اجتماعی) و نیز فرد (نیازها، شایستگی‌ها، انگیزش‌ها) در حس تعلق به مکان تأثیرگذار می‌باشد. سایر عوامل قلمرویابی نیز همچون عامل کالبدی بر ابعاد دلستگی به مکان تأثیرگذار می‌باشند و ارتفاق هریک سبب ارتقا ویژگی در بعد دیگر می‌شود.

پس از بررسی عوامل و ابعاد که در رابطه با قلمرویابی بیان شد، به منظور سنجش آرای پرسشن شوندگان و درصد فراوانی هر یک از شاخصه‌های دلستگی به مکان به کمک مؤلفه‌های قلمرویابی، از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتیجه این آزمون به جهت بررسی تفاوت میانگین آرای افراد از شاخص‌های معنی دار است. همچنین علاوه بر معنی داری تفاوت یا عدم تفاوت میانگین رتبه شاخص‌ها از دیدگاه افراد پاسخگو، به اولویت بندی ابعاد، از دیدگاه افراد نیز پرداخته خواهد شد.

## بحث و نتیجه گیری

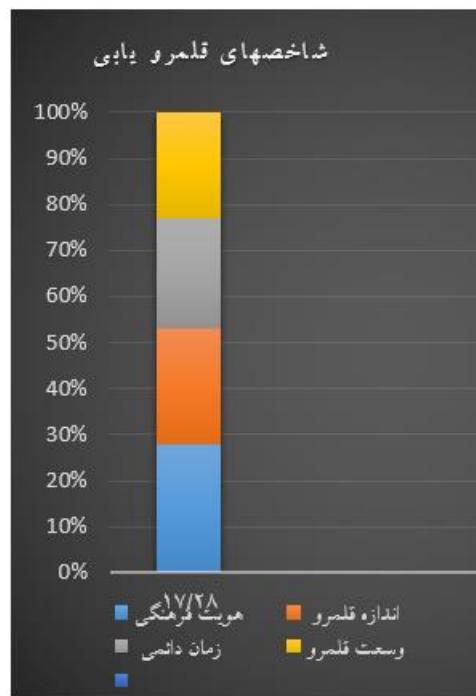
با توجه به چارچوب مفهومی تحقیق شاخصه‌های دلستگی به مکان در راستای شاخصه‌های قلمرویابی قرار گرفته که نتایج جدول شماره ۲بیانگر رتبه‌بندی هریک از مؤلفه‌های اصلی ارتقا حس تعلق در مجتمعهای مسکونی از طریق شاخصه‌ای قلمرویابی هست. از این رو هریک از مؤلفه‌ها در آزمون فریدمن رتبه‌بندی شده‌اند، بررسی میانگین رتبه مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که شاخص ادغام عرصه داخلی و بیرونی، برخوردهای اجتماعی، هویت جمعی و هویت فرهنگی در مجتمعه مسکونی اعتمادیه بالا هست و میزان مؤلفه‌های همچون مرز قلمرو و حریم که به اینمی مجموعه مربوط می‌باشد بسیار ضعیف گزارش شده و در بعد قلمرویابی نیز نظم فیزیکی و ورودی بلوک و ورودی‌های اصلی به علت دارا بودن کمترین میانگین رتبه از دیدگاه ساکنان، در اولویت اول برای ارزیابی، ساماندهی و ارتقا کیفیت به منظور ارتقا حس تعلق ساکنان به محیط قرار دارد.

جدول ۲- رتبه‌بندی هریک از مؤلفه‌های اصلی ارتفاق حس تعلق در مجتمع‌های مسکونی از طریق شاخص‌های قلمرویابی،

Chi-Square	Asymp. Sig	شاخص‌های قلمرو یابی	Chi-Square	Asymp. Sig	شاخص دلبلستگی به مکان
559.959	.....	ساختمار مرزیندی	636.431	.....	فضاهای چند عملکردی
12.95		نظم بصری	14.18		ادغام عرصه‌های بیرونی و درونی
11.28		شاکله کلی محیط	16.13		مرز قلمرو
13.40		نظم فیزیکی	7.08		مشخص نبودن حریم
6.60		تعادل در محیط	6.60		کنترل و ناظارت
9.45		اندازه قلمرو	11.93		مرزیندی کردن بارنگ و چمن
15.45		وسعت قلمرو	14.88		استفاده از طبیعت
14.68		زمان دائمی	16.10		نورپردازی
14.85		زمان موقعت	11.60		سازگاری رنگ، بافت، مصالح
8.80		مشارکت جمعی	9.03		تنوع کاربری
9.05		هویت جمعی	10.28		تنوع بصری
17.28		برقراری روابط جمعی	6.55		شكل و اندازه بناها
13.75		هویت فرهنگی	13.28		مقیاس بناها
17.20		آداب و رسوم	5.48		برخورددهای عمومی
11.88		نیاز و انگیزش در محیط	15.80		تعاملات اجتماعی
13.98		حس تعلق به فضا	14.25		طبیعت گیاهان
10.88		خوانایی محیط	16.80		قابلیت و شکل زمین
8.55		امنیت و آرامش	7.18		سرزندگی جشن‌ها
16.23		فضاهای(فضای بازی، فضای سبز، فضای استراحت)	9.28		سرزندگی رویدادهای فرهنگی
10.30		لبه بلوک‌ها و شاکله اصلی	8.10		تنوع فعالیت‌ها
13.05		مسیر سواره و پیاده	11.20		تنوع فعالیت‌ها
16/63		ورودی بلوک	7/21		نیازها
6/66		ورودی اصلی	7/84		شاپیستگی‌ها
7/80		تجمع پذیری گره	9/29		انگیزش‌ها
9/11		سکون گره	6/14		(مأخذ، نگارندگان).
12/53		بناهای(اداری، مسکونی، تجاری، تأسیساتی)			
7/87					



نمودار ۶- بالاترین شاخصه های دلبستگی به مکان



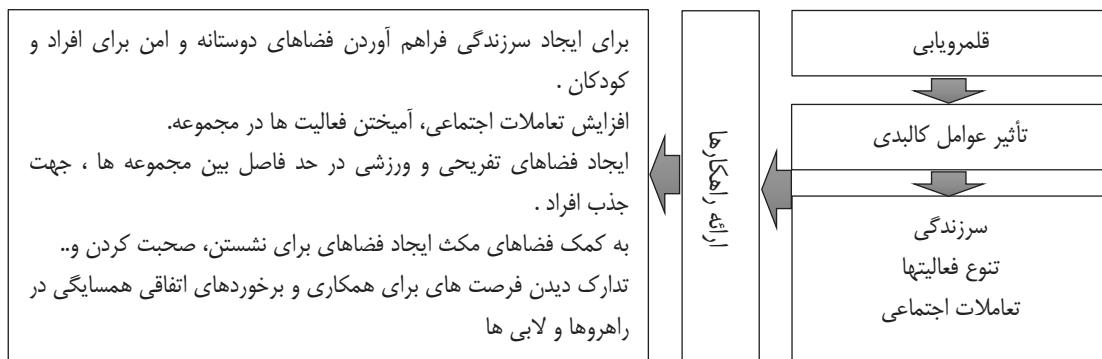
نمودار ۵- بالاترین شاخصه های قلمرویابی

(آخذ، نگارندگان).

با توجه به درصد فراوانی که از شاخصه های هر یک از دو موضوع به دست آمد بالاترین درصد در شاخص های قلمرویابی هویت فرهنگی و جمعی، اندازه و وسعت قلمرو است در حالی که شاخص های دلبستگی به مکان بالاترین درصد به ادغام عرصه های درونی و بیرونی، استفاده از طبیعت، برخوردهای عمومی و فضاهای چند عملکردی است. بنابراین عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقای حس تعلق ساکنان در محیط نشان می دهد که به علت سطح معناداری به دست آمده، هر شش شاخص بر ارتقای حس تعلق مکان تأثیرگذار هستند. در این میان مؤلفه انعطاف دارای بیشترین میزان تأثیرگذاری و مؤلفه تنوع بسیار پایین هست. شاخص انعطاف شامل مؤلفه های فضاهای چند عملکردی (فضای بازی، فضای سبز، فضای استراحت) و ادغام عرصه درونی و بیرونی می باشد. سنجش ارتباط بین معیارهای قلمرویابی و حس تعلق نیز نشان می دهد که همه عوامل و ابعاد قلمرویابی شامل عوامل کالبدی، عامل جغرافیایی، زمان، عوامل اجتماعی، فرهنگی و ادارکی دارای ارتباط معنادار با ابعاد اصلی دلبستگی به مکان هستند، به این معنا که عوامل کالبدی قلمرویابی دارای ارتباط معنادار و بسیار بالا (۰/۷۲۶) با ابعاد محیط (شامل ابعاد کالبدی، فعالیت ها و عوامل طبیعی) می باشد. عوامل کالبدی قلمرویابی همچنین بر دیگران (سرزندگی، تنوع فعالیتها، تعاملات اجتماعی) و نیز فرد (نیازها، شایستگیها، انگیزش ها) در حس تعلق به مکان تأثیر گذار است، سایر عوامل قلمرویابی نیز همچون عامل کالبدی بر ابعاد دلبستگی به مکان تأثیرگذار می باشند و ارتقا هر یک سبب ارتقا ویژگی در بعد دیگر می شود. بررسی میانگین رتبه مؤلفه ها نشان می دهد که شاخص ادغام عرصه داخلی و بیرونی، برخوردهای اجتماعی، هویت جمعی و هویت فرهنگی در مجموعه مسکونی اعتمادیه بالا می باشد. میزان مؤلفه های همچون مرز قلمرو و حریم که به اینمنی مجموعه مربوط می باشد بسیار ضعیف گزارش شده و در بعد قلمرویابی نیز نظم فیزیکی و ورودی بلوك و ورودی های اصلی به علت دارا بودن کمترین میانگین رتبه از دیدگاه ساکنان، در اولویت اول برای ارزیابی، ساماندهی و ارتقا کیفیت به منظور ارتقا حس تعلق ساکنان به محیط قرار دارند.

همچنان که نتایج مشخص است انعطاف پذیری بیش ترین تأثیر گذاری را دارد که می توان در جهت افزایش انعطاف پذیری در مجموعه به شاخص ترکدن فضاهای سبز، فضاهای بازی، متنوع ساختن فضاهای استراحت و همچنین ادغام چند کاربری می توان این عامل را تقویت نمود.

نمودار ۷- نتایج و ارائه راهکارها در راستای حفظ قلمرو در مجموعه مسکونی مورد مطالعه (منبع، نگارندگان).



## فهرست منابع

- آلمن ، ا.(۱۳۸۶). محیط و رفتار اجتماعی ترجمه علی نمازیان .تهران
- بحربنی، س.ح، و تاجبخش، گ. (۱۳۷۸) .مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره عرصص ۱۸.
- تولسی، م. (۱۳۶۹) .اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران. جلد اول، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی.
- جوان فروزنده، ع.، و مطلبی، ق. (۱۳۹۰) .مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، هویت شهر، ۵.
- حبیبی، ر.س، (۱۳۸۷) .تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵.
- دانشپور، س.ع. (۱۳۸۸) .جایگاه دانش روانشناسی محیطی در ساختمانهای بلند مرتبه با رویکرد معماری پایدار، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره پنجم، پائیز و زمستان.
- فلاخت، م.ص. (۱۳۸۵) .مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- Altman, I., & Low, S. M. (Eds.). (2012). Place attachment (Vol. 12). Springer Science & Business Media.
- Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. P. (1999). Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment. *Journal of environmental psychology*, 19(4), 331-352.
- Chermayeff, S., & Alexander, C. (1963). Community and privacy: Toward a new architecture of humanism. Doubleday.
- Giuliani, M. V., Ferrara, F., & Barabotti, S. (2003). One attachment or more?. *People, Places and Sustainability*, 111-22.
- Low, S. M., & Altman, I. (1992). Place attachment. In *Place attachment* (pp. 1-12). Springer, Boston, MA.

Porteous, J. D. (1990). Landscapes of the mind: worlds of sense and metaphor. Univ of Toronto Pr.

Stedman, R. C. (2003). Is it really just a social construction?: The contribution of the physical environment to sense of place. Society & Natural Resources, 16(8), 671-685.

Williams, J., & Lawson, R. (2001). Community issues and resident opinions of tourism. Annals of tourism research, 28(2), 269-290.